

<h1>A</h1>	
A- Buchstabe- alef	آ - ا -
A- Profil- Boden	نیمرخ افقی خاک، لایه فوقانی، لایه بالایی پروفیل زمین
A- Schicht- Boden	لایه فوقانی زمین، خاک سطح الارض
A- Zeichen für Verneinung- wie- Abiose- Leblos	آ- علامت نفی کردن یک عمل-آ-بیوز، بی جان
Aa- Anmoor-Schicht Boden	لایه فوقانی زمین مردابی شده
Aab- Aap-Wasser Farci- Ordu-Sprache-	آب- آپ- آشامیدن
Aal - Aalzucht	مارماهی، پرورش و تکثیر مارماهی
AAS- Atom Absorption Spektralphotometer	سنجش مواد در محلول، دستگاه طیف سنج
Aas- Kadaver-	لاشه مرده
Abänderung- Alternanz	تغییر و تبدیل
Abart- Abgeleitet-	مشق از نوع اصلی، نوعی
Abbau- Abbaurate – Zeit- Humus- oder Mineral-	پوسیدگی مواد آلی در واحد زمان، میزان استخراج از کانیهای معدن
Abbaubarkeit- Organische Material	قابلیت تجزیه آنزیمی مواد آلی، درجه پوسیدگی
Abbaugrad- Abbaurrate Humus-	پوسیدگی مواد آلی، درجه پوسیدگی، لاشه برگ میزان
Abberation- Abweichung	انحراف، کیفیت انحراف شعاع نور پس از عبور از عدسی

Abbildung- geordnete Paare	آینه شکلهای مشخص، تصویر
Abbildung- geordnete Paare	تصویر، آینه شکلهای مشخص
Abblasung- Deflation - Winderosion-	بادرفت، انتقال مواد توسط وزش باد
Abblätten- Zuckerrüben	برداشت برگهای غده چغندر قند توسط دست طوریکه به غده چغندر صدمه وارد نشود جهت تغذیه دام
Abblätterung- Zeit	فصل خزان، ریزش برگهای درخت و سنگ تخریبی به صورت ورقه ای کنده شدن
Abbremsen- Abbremsung	ترمز کردن، کند کردن حرکت
Abbremsen- Abbremsung	کند کردن- حرکت ترمز کردن
ABC- Boden-	خاکهایی که از سه لایه تشکیل شده اند
Abdanken- verzicht	صرف نظر کردن
Abdeckung des Bodens	پوشش سطح زمین
Abfall- Druck	کاهش فشار
Abfall- Späne- Eisen- und Holz	قراضه آهن، چو ب، آشغال
Abfall- Dornartige- Pflanze-	خار و خس ، خارخسک، سداب، خارشتر، خاس ، گیاه
Abfall- Müll- Altmaterial-	آخال- آشغال-
Abfall und Abwasser	آشغال و آب آلوده- مواد زاید جامد و مایع
Abfallbeseitigungs- anlage	کارخانه دفع آشغال
Abfallbeseitigungs- gesetz	قوانین دولتی دفع آشغال
Abfalldeponie- Müll	آشغال- انبار مواد زائد
Abfallgesetz-	قانون بازیافتی از مواد زاید
Abfallkompost-	آشغال از مواد آلی- قابل پوسیده شدن و تبدیل به



	کمپوست
Abfallprodukt-	محصولات جانبي کارخانجات مانند تفاله چغندر قند درکارخانه تصفيه شکر
Abfallprodukt- Fabrik- Abfall	محصولات جانبي کارخانجات- اشغال کارخانه
Abfallstoffe-	مواد زايد، اشغال کارخانه
Abfluß- Abflußjahr	روان آب- رودخانه
Abfluß- charakterik	آب روان، نوع خروج مواد توسط آب روان ، کاراکتر
Abfluß aus versiegelten Flächen	عبور آب روان از روي زمينهاي غيرقابل نفوذ، آب روان سطحي
Abfluß- Wasser	جريان آب، مجرا
Abflußarten	انواع مختلف جريان آب
Abflußbeginn-(Zeit- Menge)	آزمایش شروع وميزان وزني، جريان آب مترمکعب درثانيه
Abflußgebiet- Abflußlose Gebiet	منطقه بدون خروج آب روان
Abflußmenge- Abflußwasser- pro Sekunde-	آب روان سطحي ، میزان در يك منطقه بامساحت مشخص در واحد ثانيه
Abflußrelevant- Abflußwasser	میزان خروج آب روان در حالت عادي
Abfolge-	پیامد يك موضوع
Abfuhr- Stoffe	خروج مواد
Abgase- Autoabgase	گازهاي خروجي از اگزوز ماشين
Abgedeckte Karte- Landkarte	نقشه، زمين شناسي اعماق دريا
Abgelagerte Sedimente	مواد رسوب شده،
Abgeleitet- Gezogen- (maikhoos)	ماخوذ- مشتق
Abgelöste Partikel	ذرات ريز رها شده

Abgepufferte Lösung- Chemie	محلولي که ذرات هیدروژني آن خنثي شده اند
Abgeschlossene Luft	هوایي که حبس شده درون خاک توسط مولکول آب
Abgeschobene Horizont- Schicht- Boden	لایه زمین، که توسط عوامل طبيعي تغییرمکان داده است
Abgestorbenes- Stoffe- Material	مواد گیاهی مرده، موادی که مرده اند، مواد آلي گیاهی
Abgetorfte Moore-	منطقه مردابی خشک شده که مواد آلي آن جهت سوخت برداشت شده اند
Abgetragene Fläche-	منطقه آبرفتي که لایه فوقانی موادکاني آن توسط آبرفت برداشت شده اند
Abgrenzen- Zeitskala	درجه بندي زمان با محدودیت
Abgrund- Meeres Abgrund	اعماق دره ها و دریاها
Abgrusung- Grus- Verwitterung	تخریب مواد، هوا دیدگی
Abhandlung- Artikel	مقاله علمي
Abhang	پرتگاه، زمین شناسي
Abhängige variable	فاکتوروابسته
Abhängigkeit- Hängt stark- davon ab	وابستگی، شدیدداشتن به
Abhängigkeit von geologische Substrat	وابستگی بموادی که منشاء زمین دارند
Abhärtung- gegen Wärme und Kälte	افزایش مقاومت بر علیه عوامل جوي، گرما، سرما
Abholzen- abstocken	قطع درختان يك منطقه به صورت کامل
Ability- Person - Leistungsfähigkeit	توانايي شخص
Abiogenik-	غير بيوژن ،
A-biose- Lebensunfähigkeit	توانايي زندگي را نداشتن، بي جان



A-biotisch- leblos	بي جان ، مرده	am Baumfuß	
Abiotisch- unbelebt- Nonliving	مواد مرده آلي گياهي، بي جان ، برروي زمين ، در مزرعه ، در جنگل	Ablehnung-	رد کردن ، جواب رد دادن
Abiotische- und biotische Faktoren	فاكتورهاي بي جان و فاکتورهاي جاندار در طبيعت	Ableiten- Ableitung- Abgeleitet	مشتق گيري ، مشتق ، عمل رياضي
Abiotische Faktoren- (Lage- Boden- Klima)	فاكتورهاي طبيعي بي جان- وضعيت منطقه ، خاک، آب و هوا	Ableiten- hergeleitet - Derivat- Derivat- (moschtagh)	مشتق گرفتن- مشتق- ماخوذ
A-biotische Potentiale	پتانسيل مؤثر ، فاكتورهاي طبيعي بي جان	Ableitung- Schneefläche-	بريدگي و قطع برف از برف زار
Abjudikation-	باطل شدن ، از طريق دادگاه به رسميت شناختن	Ableitung von Schmutzfracht-	ريختن مواد آلوده به رودخانه
Abkühlungseffekt-	تأثيرات سرد شدن هوا در منطقه	Ablenken- Ablenkung	منحرف شدن ، عدم تمرکز حواس ، از مسير اصلي
Abkühlungsrate	میزان سرد شدن دما ، جذب گرما در واحد زمان ، میزان	Ablösung- Ablösungsrate	میزان جدا شدن مواد در واحد زمان
Abkürzen - Abkürzung	کوتاه کردن ، قلم زدن مخارج ، حروف مخفف	Ablösungsverhalten	چگونگي تخریب مواد
Ablagerung- Sedimentation	رسوب ، انباشت ، مواد کاني ، ته نشت	Abluft- Fabrik- Schornstein	هواي خروجي دودکش از کارخانه
Ablagerungsrate- Stoffe	میزان نهشت مواد در واحد زمان	Abnahme- Abnehmende Nachhaltigkeit	کاستن ، کم شدن مقدار ، از درجه پایداری در طبيعت
Ablaktieren- Obst	پرورش درختان میوه	-Abnorm	غير استاندارد
Ablandig- Ablation	وزش باد و کندن مواد از سطح زمين و انتقال به طرف دریا	Abnutzungs- erscheinung- Gerät-	علائم استفاده زیاد ، اصطهلاک دستگاه
Ablation- Ablandig	شست و ساب زمين توسط آب ، فرساب ، توسط باد	Abplattung der Erde	اختلاف بين قطر استوا و شمالگان ، پولار
Ablation- Abschmelzen und verdunsten	ذوب شدن و تبخير شدن حالت	Abplattung der Erde	تسطیح زمين ، اختلاف بين قطر استوا و شمالگان ، پولار
Ablauf der Zeit	تمام شدن مهلت- از بين رفتن وقت ،	Abrasion- Abrasiv	مواد سايا ، شست و ساب
Ablegen- Ablerger - Pflanzen- züchten-	شاخه خواباندن- شاخه خوابانده	Abrauchen- verbrennen	دود کردن در اثر سوختن تا اتمام جسم
Ableger - Pflanzen	قلمه گياه ، بخشي از کل	Abraum- Abraumhalde	قابل انبار کردن مواد کاني از معدن بصورت تپه
Ableger- mit Wurzel-	پاجوش ، شاخه ،	Abraumsalz- Bergmine	نمکهاي استخراجي از معدن ، نمک طبقات رويي
		Abregnen durch den feuchten Wind	تبدیل رطوبت به نم و قطره در باد



	و هوای مرطوب		زیرزمینی
Abreißen	خراب کردن ساختمان، کندن يك ورق از درون دفتر	Absenkungstrichter – Brunnen- Grundwasser	پایین رفتن سطح آب زیر زمینی بشکل قیف در حوالی چاه عمیق
Abrieb- Reifenabrieb (kandeh schodan)	کنده شدن در اثر سایش ، از چرخ ماشین بر روی آسفالت خیابان	Absetzbare -Stoffe	مواد ته نشینی در فاضلاب که قابل ته نشین شدن میباشند
Abrieb- Rauigkeit	ساییدگی و خشونت سطح	Absetzbecken- Abwasser	استخر رسوب مواد در تصفیه خانه فاضلاب
Abrieb- von schleifen	سوده ،	Absetzen- abladen von Last-wagen	خالی کردن بارماشین، ماشین بار
Abriß-nische-	حفره هایی در دیواره پرتگاه، تخریبی	Absicherung- Bank- Kredit	محافظت کردن، پشتوانه بانکی جهت وام
Abrupt- Plötzlich	حالت ناگهانی، غیرمنتظره	Absinthium- Artemisia	افسنیتین، برنجاسف، گیاه طبی
Absatzgestein- Absatzstein	سنگهای ته نشینی سخت شده، رسوبی	Absinthium- Heil- kräuter -Artemisia -	برنجاسف، گیاه افسنیتین، دارویی ، شفا بخش،
Abschätzung- Wert	امتیاز دادن، تخمین ارزش	Absolut- unbedingt	مطلق، ضروری
Abschätzung- Wert	تخمین ارزش، امتیاز دادن	Absolute- bedingungslos	منجزا، مطلق،
Abschätzung des Transferverhalten	تخمین وضعیت انتقال مواد	Absolute Betrag- Zahl	قدر مطلق- ریاضی
Abscheider- Fett	روغن گیر، جداکننده روغن از مواد آلوده، دستگاه	Absolute- Mathematik	مطلق،
Abscheider- Fett - Abscheider- Apparat	جدا کننده، دستگاه روغن گیراز مواد آلوده	Absolute Temperatur (Kelvin)	گرماي مطلق،
Abschirmung- Schützen	حفاظت از برخورد اشعه به بدن، لباس مخصوص، ضد اشعه، دیوار کشیدن	Absolvent- Person	فارغ التحصیل، شخص
Abschirmung- Schützen gegen die Wärme	حفاظت ضد حرارت	Absonderung - Zerkleinerung an Klüften- Spalten	خرد شدن سنگ به قطعات کوچکتر در کوهستان، تفکیک
Abschlußventil	لوله بستن، شیرقطع و وصل	Absonderung- Pflanzen Ausscheidung	ترشح گیاهی - صمغ
Abschuppung- Steinverwitterung-	نوع تخریب سنگها توسط هوا و آب	Absonderungs- Wunde-Ausschwitzer -Baumharz	تراوش کردن، مترشح، صمغ
Abschuppung- Verwitterung	تخریب سنگها توسط هوا و آب	Absonderungs- gefüge- Regenwurm	دانه بندی خاک از بدن کرم خاکی نوع دانه بندی
Absenken der Meeresspiegel	پایین رفتن آب دریا	Absonderungs- gefüge- Regenwurm	دانه بندی خاک از بدن کرم خاکی نوع دانه بندی
Absenkung- Preis	پایین بردن قیمت کالا، کاهش قیمت	Absonderung-Wurzel Ausscheidung	ترشحات ریشه ای
Absenkung des Grundwasserstands	پایین بردن سطح ایستایی آبهای		



Absorbens-	جذب کننده آب، جسم
Absorber- Harz	ماده جذاب، صمغ نوع ماده
Absorber- Stoffe- Chemie	مواد جذب کننده، مواد و رطوبت
Absorptions- koeffizient	ضریب ثابت، جذب یونی
Abspülung- Denudation	انتقال مواد توسط آب، خاکشویی زمین
Abstabilisierung	کاهش درجه ثبات
Abstammung- genetisch	منشاء ارثی، نسل
Abstand- Entfernung	فاصله، مسافه
Abstand- von A- bis B-	فاصله ریاضی، فاصله بین دو نقطه
Abstandskarte	نقشه فواصل یک منطقه
Absterben der Pflanzenart- absterben von Gewebe- Nekrose	مردن گیاهان، انقضای نسل یک رده گیاهی، مردن بافت، نکروز
absterben von Gewebe- Nekrose	مردن بافت، اندام، گیاهی، جانوری، نکروز
Abstrahierung-	تفریق، ریاضی، عمل تفریق اعداد ، کسرکردن عدد
Abstraktion- Ausscheidung- tadjrid	تجرید، تجرد، مجرد
Absurd- Sinnlos	بی معنا -
Abszisin- Hemmstoff - Pflanzenwachstum- kond schodan	کند کننده رشد گیاهان، ماده، کند کننده رشد
Abszisse und Ordinate	محور طولها و محور عرضها
Abszisse und Ordinate	طولها و عرضها، محور
Abszissen- Achse	ریاضی، محور مختصات محور طولها، خفت
Abszission- Abwurf	عمل کننده شدن بخشی از گیاه، ریزش برگ درخت
Abszission- Abwurf- kand	کننده شدن بخشی از گیاه، ریزش برگ درخت

Abtauchzone	حوزه در اعماق آب دریا
Abteilung- Geologie- Formation	فرماتسیون، رده
Abtorfung- Abtragung- Torfabbau	برداشت مواد آلی از زمینهای مردابی جهت کود، جهت سوخت، برداشت تورف
Abtrag- Abtragsrate	خروج خاک از زمین توسط آبرفت، انتقال مواد آلی و کانی
Abtrag- Boden- material- Abtrags- charakteristik	خروج مواد کانی، انتقال، کاراکتر
Abtragserscheinung	علائم بعد از خروج مواد
Abtragsformen- Wasser und Wind)	عامل خروج مواد توسط آب، توسط باد
Abtragsverhalten	چگونگی آبرفتی، باد رفتی
Abtragung- Massen- verlagerung-	انتقال مواد توسط آب
Abtransport- Abtragung	انتقال مواد - آبرفت
Abundance -Peak	ریاضی، قله فراوانی، اعداد
Abundanz- rezedent	ریاضی، عدد میانگین
Abundanz- Überfluss	بیش از حد،
Abundanz- Häufigkeit (2%)- Dominanz-	تعداد گیاهان در واحد سطح، تخمین تراکم، درجه کمی
Abwärme aus Kraftwerk	خروج گرما از نیروگاه، برق،
Abwasser als Rohstoffe	پساب بعنوان ماده اولیه قابل بازیافتی
Abwasser aus dem Boden -Auswaschung	پساب از خاکشویی ، خاکهای،
Abwasser- aus- Fabrik - Haus- und Feld-	آب آلوده، پس آب، کارخانه، منازل، مزرعه
Abwasser und Klarwasser	فاضلاب و آب صاف پس از تصفیه
Abwasserabgabe (Steuer)	مالیات بر تولید فاضلاب
Abwasserbehandlung Abwasserreinigung	تصفیه فاضلاب به صورت ریزش بر روی

Juwelier-Goldschmied	طلاساز، گهرساز
Juxta- Bank-	کنترل اوراق بهادار
Juxtaposition-Kristallbildung-	بلورسازي سنگ، رسوبات بر روي سنگها کريستال شدن،

<b>K</b>	
K- Buchstabe- kaaf	ک
K- Kalium Retention	عنصر پتاسيم، ميزان جذب
Kabelanschluss	کابل ارتباط تلویزیون به ماهواره
Kadaver- Aas	لاشه مرده
Kader- Führung	کادر، چهارچوب، گروه رهبران
Käfer- Pferdeäpfel-roller- Insekt-	سرگین غلطان، سوسک جعل،
Käfer- Assel-Tausendfuss-	خبزدوک، خرخاکی-
Käfer- Goldwespe Maikäfer genannt- (zanboor e tallaii)	زنبور طلائی، سوسک،
Käfer- Marienkäfer	کفش دوزک- حشره
Käfer- Mistdreher- Mistkäfer- (soosk)	جعل، سوسک سرگین غلطان، خزوک،
Käfer- Schabe- Heimchen- Küchenschabe-Insekt	سوسک، سوسک گرمابه، حشره
Kaffee- Gemahlene Kaffee	قهوه- قهوه کوبیده
Kaffee- Baumart	قهوه، درخت، آمریکای جنوبی
Kaffeebaum- Baumart	درخت قهوه، آمریکای جنوبی
Kaffeebohne-	گیاه، دانه قهوه
Kai- Hafenstrasse-	جاده ساحلی، اسکله، نزدیک به

	ساحل
Kaianlage-	اسکله در بندر
Kaiman- Alligator-Krokodil- temsaah	تمساح، بزرگ
Kainit- Kalisalz	کاینیت، سنگ نمک پتاسیم، مواد غذایی گیاهی
Kainit- Kalisalz	سنگ نمک پتاسیم، مواد غذایی گیاهی، کاینیت،
KAK- Wert-chemische-Verbindung	ظرفیت تعویض یونی، کاتیون، درصد تعویض مخفف،
Kakao- Baumart-Kakao-bohne	کاکائو، درخت، دانه کاکائو، آمریکای جنوبی
Kakteen- Kaktus-Frucht-Feige	انجیر هندی گیاه، کاکتوس،
Kaktus- Kakteen-Frucht- Feige	کاکتوس، انجیر هندی
Kalaminthe- Berg Minze - gewöhnlich	فرنچ- مشک، نعنا- گیاه
Kalamität- Notlage-Wald-	جنگل، خسارت ناگهانی، خشک شدن ناگهانی درختان
Kalb- Jungvieh-Masttier-	شیرمست- گوساله بچه گاو
Kalb- Kälbschen-	گوساله، بچه گاو
Kalben von Gletscher - Eis-Stücke- Nordpol - Südpol	یخکوه، بچه کوه یخ، قطعه کوه یخ
Kaldaunen- Kuh-	حیوان، سیرابی شکم، خوراکی
Kaledonische Gebirgsbildung	زمین، رشته کوه های دوران کالدون
Kalender- Tagen	واحد شمارش روزها، تقویم روزشمار
Kaliber- Durchmesser-Meßgerät	کالیبر، دستگاه سنجش قطر سوراخ حفاری زمین
Kalibration	تنظیم دستگاه حفاری
Kalibrierung- Eichen	تنظیم درجه
Kalibrierungsfaktor für Anfangsbedingungen	فاکتور ضروری، شرایط شروع یک آزمایش، کالیبره کردن
Kalidünger- Mineral	کود شیمیایی پتاسیم، نمک قلیا



Kalimagnesia	کود معدني شيميائي پتاسيم و منيزيوم	Kalkmoder	در زمين
Kalisalz- Kieserit	سنگ نمک پتاسيم، کيزريت	Kalksalz-	نمک آهک، سنگ نمک
Kaliumbedarf der Pflanze	ميزان نياز گياه به عنصر پتاسيم جهت رشد مناسب	Kalkschlick-Sediment	رسوبات ته رودخانه آهک دار
Kaliwerk- Fabrik	کارخانه توليد کود پتاسيم	Kalksinter- poröse Kalisalz	سنگ آهکي اسفنجي
Kaliwerk- Mine- Bergmine-	معدن سنگ پتاسيم، کارخانه توليد کود پتاسيم	Kalkspat- Kalzit- (CaCO <sub>3</sub> )	سنگ آهک، کالک اسپات، کالسيت
Kalk- gelöschte Kalk-Lösung- (doogh aab)	دوغاب آهک	Kalkstein-Braunlehm	سنگ آهک قهوه اي، لوم قهوه اي
Kalkalgen- Muschelkalk	جلبک هاي آهک دوست	Kalkstein- Verschiedene Farben	سنگ آهک، به رنگهاي مختلف
Kalk-ammonsalpeter- Dünger-	کود ازته آهک دار شيميائي	Kalk-stickstoff- Syanid-Dünger-(CaN-CN- CaO)	کود ازت سيانيد آهکدار شيميائي
Kalkauswaschung- Boden	عمل آهک شويي از زمين طبيعي در مناطق معتدل	Kalk-Tuff- Kalktuffdamm	پوک سنگ ازتي،
Kalkboden- und Kalkauswaschung	خاک قليايي، خاک آهکي شويي از زمين طبيعي درمناطق معتدل	Kalkül-	رياضي، محاسبه
Kalkeffekt	اثرات آهک بر روي زمين در واحد زمان	Kalkulation- Berechnung	رياضي، محاسبه کردن آمار، تخمين هزينه
Kalkeinsatz	ميزان بکارگيري آهک	Kalkulation- Berechnung-	احتساب- حساب کردن
Kalkfreie- Boden- Kalkauswaschung	خاک آهک شويي شده، خاک بدون آهک	Kalkung- Düngungsmaßnahmen	آهک دهی و کود دهی به زمین، عمليات بهبودی خاک
kalkhaltige Bodenschicht	لايه خاک آهک دار	Kalkungsmaßnahme	عمليات آهک دهی به زمین
Kalkmarsch- Boden	خاک مارش ساحلي شور و آهکدار،	Kalligraphie- schönschreiben	خوشنويسي، خطاطي
Kalkmarsch- Boden-	خاک ساحلي شور و آهک دار، خاک مارش	Kalmus- Rohr-Schilf- Pflanze	نی بوریا - گياه،
Kalkmergel-	خاک مرگل، رسي آهک دار	Kalorie- (cal)- Maßstab- für Wärmeenergie-	کالري، واحد سنجش انرژی گرمایی- کالري
Kalkmergel- Boden	خاک رسي آهکدار، خاک مرگل	Kalorie-(cal)- Kalorimeter	کالري، کالري سنج
Kalkmudde	کف رودخانه، گل لجن با مواد آلي هوموسي و آهک دار	Kaloriesieren- von Stahl-	ضدگرما و ضدزنگ کردن فولاد
Kalkparzelle- Dünger Parzelle	مزارع آزمایشي آهک پاشي شده و کودپاشي شده	Kälte Insel- oder Wärme Insel	کليما- منطقه با هوای سرد در منطقه با هوای گرم
Kalkpflanzen-	گياهان معرف آهک	Kälte Insel- oder Wärme Insel	منطقه با هوای سرد در منطقه با هوای گرم
		Kalte luft- Luft ist kuhl-	هوای خنک- هوا خنک است- الجو بارد

Kalte Tag-Meteorologie	روز سرد با درجه حرارت کمتر از ده درجه سانتیگراد زیر صفر
Kältgrenze-Meteorologie	حد جغرافیایی هوای سردسیری
Kältehoch-Meteorologie	منطقه جوی با فشار هوای بالا، در ارتفاع کم
Kältepole-Meteorologie	منطقه با سردترین درجه حرارت بر روی کره زمین
Kältesteppe- Tundra	کلیما - منطقه استپ سردسیر
Kältesteppe- Tundra	منطقه استپ سردسیر
Kaltfront- Warmfront	جبهه سرما، جبهه گرما
Kaltluft- Kaltluftsee-Entstehungsgebiet	هوای سرد سطح پایین در جو نزدیک بزمین - عامل یخ زدگی گیاهان
Kalyptra-Wurzelhaube	گیاه، کلاهک ریشه گیاه
Kalyptragen-Gewebeschicht-Kalyptra	گیاه، لایه بافت گیاهی، لایه پوششی
Kalyptragen- Zellen-Pflanze	گیاه، سلول های سازنده کلاهک ریشه
Kambium- Pflanze	گیاه، لایه زاینده در ساقه و ریشه گیاهان دولپه ای
Kambrium	زمین، دوران کامبریوم
Kamel- Tier	ناقه - شتر ماده
Kamel- ein höckriges zwei höckriges-Dromedar- Kamellast	شتر - یک کوهانه - شتر دو کوهانه - شتر جمازه - شتر بار
Kamel- Kamel-Treiber	سار، شتر، ساربان
Kameldorn- Karden-Alhagi persacum-	خارشتر - گیاه
Kameldorn Pflanze-	شتر خار - گیاه
Kamelreiten- Pferde reiten	شتر سواری یا اسب سواری - راحله
Kames- Kammeis	تپه های دوران یخچالی شنی ماسه ای
Kames- Glateis-	آب یخ زده بر روی زمین
Kamille-chamomilla-	بابونه گیاه

Pflanze-(baboonah)	دارویی گل
Kamm-Hahnenkamm	کاکل خروس - پرنده
Kamm der Berg	لبه تیغ رشته کوه نوک قله
Kamm der Dünnen	نقطه فوق، لبه تیز تپه های شنی
Kamm der Vogel Kamm der Hahn-	تاج خروس، کاکل پرنده مرغ شانه به سر
Kammerbohrer	دستگاه حفاری خاک، نمونه برداری
Kammergericht	دادگاه،
Kammkime- Fisch	ماهی - برانشی شانه مانند
Kamp	کمپ، محوطه حصاردار
Kampfer- Baumart	کافور، درخت گیاه دارویی برگ، ریشه
Kampfer- Stoff	کافور - ماده دارویی درخت کافور - در بعضی از نرم تنان
Kanadisches Schild	منطقه در قطب شمال کانادا
Kanal-	کانال، مجرای آب مصنوعی
Kanal- Wasserstrasse	دریای مانش
Kanal- (ghanaat)	کاریز - قنات
Kanal- Unterirdisch-Wasserkanal	قنات - روزمینی - زیرزمینی
Kanal- unterirdisch mit Brunnen- Zistern	قنات، کاریز - آب خوان
Kanalisation-	لوله کشی آب فاضلاب، آب باران در شهر، کانال کشی
Kanarische Vogel-(sohreh)	سهره، قناری، صعو، پرنده
Kanarische Vogel-Spierling	صعوه - سهره - قناری - پرنده
Kanarische Vogel-Spierling	صعوه - سهره - قناری - پرنده
Kandidat- Bewerber	داوطلب، نامزد انتخاباتی
Kandiszucker-	نبات، کریستال شکر
Kanister- Tonne für Wasser -gallon-(boschkeh aab)	بشکه - آب



Kanne- Fass-Kanister	بشکه - اب
Kannellierung- Rillen- Karren	فرسایش خاک توسط آب باران به شکل لوله، شیار
Kanone- Falkonett- kleine Kanone- Zeughaus-Waffen- arsenal-	زنبورک، زنبورکچی، زنبورک خانه
Kanone-Geschütze- Donner-	توپ، توپ اندازی
Kanten- Sechskantig	شش ضلعی
Kanzlei- Rechtsanwaltsbüro	دفتر وکالت
Kaolin- (Al- Si2- O3- (OH)2) -Kaolinit	خاک رس تقریباً خالص، سنگ چینی، کائولین
Kaolinit- Porzellanerde	خاک چینی، کائولین، کائولینیت
Kaolisol- Latosol- hydrokaolisol	خاک، کائولی سول
Kap- Bergspitze-	دماغه کوه
Kap- Vorgebirge-	انف الجبل
Kapazität-	گنجایش ظرفیت حجمی،
Kapazität- Elatische - zarfiat	ظرفیت-کششی
Kapazität- Volumen	ظرفیت حجمی، گنجایش
Kapazität- Volumen-	حجم - ظرفیت حجمی
Kapillar- Depression- Wasser	کاپیلار، سطح مایعات در لوله پایینتر از سطح آزاد مایع است
Kapillar- Haargefäß	کاپیلار، رگهای موئین، لوله موئین
Kapillar-aszension- Wasser- Physik	کاپیلار فیزیک، سطح مایعات در لوله بالاتر از سطح آزاد مایع است
Kapillarattraktion- Physik	نیروی کاپیلار کشش اجسام به هم ، فیزیک
Kapillarchemie	کاپیلار شیمی، علم شیمی، رگهای موئین
Kapillarität- Kraft- Potential	کاپیلار، توان نیروی کاپیلار، موئینگی، چگونگی

	حرکت و رفتار مایعات در رگهای موئین
Kapillarkraft-	نیروی کاپیلار، بالا رونده مایعات در لوله های موئین
Kapillarrohre-	لوله کاپیلار آزمایشی
Kapillarwasser	آب درون مویرگ کاپیلار بالا رونده در خاک قابل جذب توسط ریشه گیاه بالاتر از سطح ایستایی آب زیر زمین
Kapitale- Hauptstadt	پایتخت یک کشور
Kapitel- Buch	فصلی از یک کتاب
Kappungsfläche- kappen	تخریب کردن، منطقه
Kapsel- Form-	کپسول، شکل
Kapselförmig-	شکل کپسول
Kapselprobe-	نمونه، در فضای بسته کپسولی
Kapuzinerkresse- Blumenkresse-	گل لادن
Kapuzinerkresse- Pflanze	گیاه، گل لادن
Kar- Karwand-	حفره های درون صخره های شیب دار
Karaburan- Buran	نوع باد، بوران
Karaburan- Buran- Wind	باد بوران، باد شدید و طوفانی
Karbon- Zeitalter-	زمین، دوران کربن، زغال سنگ
Karbonatboden- Rendzina	خاک آهک دار- رندزینا
Karbonfaser-	کربن، رشته کربن،
Kardamon- Ingwer- gewächse- Pflanze	هل، میوه گیاه
Kardamon- Pflanze Cardamom- Gewürz	گیاه هل چاشنی غذا، پودر هل و زنجبیل
Kardan gelenk- Maschin	ماشین، میله کاردان
Kardan gelenk- Maschin	ماشین، میله کاردان میله لنگ
Karden- distel	گیاه، گل خارشتر
Karden- distel- Pflanze	گل خارشتر

Kardinal- Vogel	پرنده، نوع پرنده خوش آواز
Kardinalpunkt- Drei Punkte-	نقطه اصلي، به سه نقطه اصلي از شدت يك عامل از شرايط محيط زيست يك جاندار سه نقطه عبارتند از نقطه مينيم نقطه اوبتيمم و نقطه ماگزيمم
Kardinalzahl	رياضي، عدد اصلي
Karenzfrist- wartezeit	مهلت مشخص
Karfunkel- Topas- Edelstein	ياقوت زرد
Karg	تهی، فقر
Karge Landschaft	دشت بي آب و علف، دشت خشك
Karim- wissend-	كريم، جوانمرد، حكيم، دانشمند، راد، سخی
Karitativ- Wohltätig	رفتار و اعمال دلخواه
Karneol- Achat	سنگ قيمتي، ياقوت
Karneolonyx -Stein-	سنگ عقيق، سرخ قيمتي، كارنوول
Karnivore- Tier oder Pflanze	گوشتخوار، حيوان گوشتخوار، گياه گوشتخوار
Karotte- Pflanze	گزر-هويچ- زردک- گياه
Karotte- Pflanze	گياه، هويچ، زردک
Karotte- Pflanze	هويچ، زردک
Karpell- Fruchblatt	برگ گل، مادگي گل، گلبرگ،
Karpell- Fruchblatt	گياه، برگ گل، مادگي گل
Karpfen- Fischart	ماهي كپور- گول
Karpfen- Fisch	ماهی گول- ماهي كپور
Karpfenteich	حوضچه پرورش ماهي كپور
Karpfenzucht-	پرورش ماهي كپور- گول-
Karpologie	گياه شناسي، ميوه شناسي
Karpologie	علم گياه شناسي، ميوه شناسي
Karre- Wagen- ein Ochsenkarre-	گاري يك گاو

Karree- Carre- Tetragonal-Form	شكل چهارگوش، ساختمان چهارگوش
Karren- Rillen- Schratten	حفره در سنگ توسط تحليل مواد بوسيله آب
Karri- Wälder	جنگل هاي مرطوب استراليا
Karst- Korrosion- Metallstein	كارست، منطقه حفره اي، گودال آب كشي در زمين، سنگ چاله
Karstgebiet- Doline- Karstic	كارست، نوع منطقه پستي بلندي در اثر فرسايش دروني
Karstlandschaft	كارست، دشت حفره دار در زمين بدون درخت و گياه
Karte- Landkarte	نقشه كشور در واحد مقياس
Karten- Spielkarten	كارت بازي، ورق
Kartenkunde- Plan	علم نقشه شناسي
Kartenkunde- Plan- Karte-	نقشه شناسي- نقشه علمي
Kartenmaßstab	مقياس نقشه نسبت به واقعيت
Kartenprojektion Zeichnung	ترسيم كره زمين بر روي نقشه
Kartenrelief- Zeichnung	ترسيم پستي و بلندي كره زمين
Kartenskizze- krocki	كروكي نقشه منطقه بصورت طبيعي
Kartieranleitung	طرز استفاده از راهنماي نقشه
Kartieren- Kartierung	نقشه برداري در واحد مقياس
Kartoffel-krebs-	گياه، بيماري غده ي سيب زميني قارچي
Kartoffel- Erdapfel- Pflanze	سيب زميني، خوراكي
Kartoffelkäfer- Schädling	كفشدوزك، آفت گياه سيب زميني، نوعي كفشدوزك
Kartoffelkäfer- Insekt	گياه، آفت گياه سيب زميني نوعي كفشدوزك
Kartographie-	علم نقشه كشي، كارتوگرافي، طراحي نقشه
Kartographie-	نقشه كشي-طراحي نقشه- كارتوگرافي

Quer-Linie- Querstrich	رياضي، خط مايل، خط كج، خط عرضي، اريب
Querschnitt- Längsschnitt	برش عرضي، برش طولي، مقطع عرضي ، مقطع طولي
Querstreife	نوار عرضي
Quersumme	رياضي، جمع اعداد
Querverweis- PC	كامپيوتر، راهنمايي بينابيني
Quetschen- Präparat	له کردن برگ، فشردن برگ جهت آزمایش
Quicken-	مخلوط کردن، ممزوج کردن
Quicksilber-Chlorid - weiße Farbe- Kalomel-	زیبق- جیوه ، زیبق ابيض-
Quinoa- Korn	دانه خوراكي
Quirl- Blatt- Quirlholz	مجموع برگهائي كه از يك گره برگي ميرويند
Quitt- Gleichen	مساوي کردن، برابر کردن قرض ، پرداخت قرض
Quitte-Pflanze (aabi)	آبی، به، میوه درخت
Quitte-Pflanze (bah)	به، درخت میوه خوراكي
Quittung-	فاكتور خريد کالا
Quote- Teilbetrag- Quotation	درصدي، بخشي از كل،
Quotient-	حاصل تقسيم دو عدد
Quotient aus- Quotientenbildung (a/b)	خارج قسمت دو عدد قسمت گيري، نسبت دو فاکتور بهم
Quotienten-regel	نسبت گيري قاعده رياضي،
Quotieren-	نرخ گذاشتن، شماره گذاشتن

<h1>R</h1>	
R- Buchstabe- re-	ر
Rabe- Häher- Krähe - Kleine Rabe- Dohle - Elster-	زاغ، زاغچه، كلاغ، زاغ و زغن
Rabe- Kolk-rabe- junge Rabe-Vogel	كلاغ، زاغ، غراب، كلاغچه پرنده
Rabe- Krähe- Vogel	غراب-كلاغ- زاغ- پرنده
Rabe- und Elster- Vogel	كلاغ و زاغی- پرنده
Racheln- Rinnen	شيار آبرفتي درمنطقه
Rad- (ra)- Maßstab - Äquivalentdosis für - Radioaktivität	واحد سنجش، راد، ميزان انرژي رادیواکتیو، پرتويي
Rad- Brunnen- Wasser schöpfen-	چرخ، آب کشي از داخل چاه
Rad- Radfahrspur	چرخ - جاي عبور چرخ
Rad- Spinnrad	چرخه، دوک
Rad- Vorstrecker- Nagel-	میخ تیر-
Rad- Zweirad-	چرخ- دوچرخه
Radachse-	محور چرخ
Radar- Gerät-	دستگاه رادار، هدايتي با موج مغناطیسي الکتريکي
Radartechnik-	علم شناخت و اندازه گيري ارتباط توسط رادار
Radial-	پرتو افکن، شبیه به اشعه تابشي
Radialachse	محور شعاعي
Radiant energy	انرژي تشعشعي
Radiär Symmetrisch	رياضي، متقارن شعاعي
Radier Gummi- Bleistift	مداد پاک کن،

Radieren-	پاك كردن، تراشيدن
Radikal- Zahl- Element-	رياضي، راديكال، ريشه عدد ، بنيان شيميايي يك عنصر
Radikant-	رياضي، مجموعه زير راديكال، عددي كه بايد از آن جذر گرفته شود
Radio- Empfänger-	دستگاه گيرنده ي امواج راديو
Radio- Sender- Funkstation-	دستگاه فرستنده ي امواج راديو
Radioaktiv- Radioaktivität-	راديو اکتيو ، درجه پرتويي،
Radioaktive Stoffe-	عناصر پرتويي فعال از نظر انتشار اشعه
Radioaktive Zerfall	فرسايش توان راديو اکتيو اجسام، تشعشع راديو، تجزيه عناصر
Radioaktive Abfall- Stoffe-	راديو اکتيو ، مواد زائد از نيروگاه اتمي
Radioaktive Ausstrahlung	تشعشع اتمي، راديو اکتيو، الاشعاع الذري
Radioaktive decay	وا پاشي راديو اکتيو
Radioaktive Emissionen	آلودگي عناصر پرتويي
Radioaktive Stoffspeicherung	ذخيره عناصر پرتويي
Radiogeologie	زمين شناسي پرتويي
Radiogramm- Radiologie	نمودار آماري، عكس راديولوژي
Radiographie	پرتو نگاري
Radiokarbon- C14	كربن، راديو اكتيو جهت تعيين سن اجسام، عنصر
Radiokristallogie	بلورشناسي پرتويي
Radiologie- Strahlungskunde	شناخت پرتوها و عناصر راديو اكتيو، راديولوژي- پرتوشناسي
Radiosonde-	دستگاه تعيين فشار هوا، گرما،

	رطوبت در هوا، سوند
Radiowelle- Radiosendung	موج راديويي، ارسال خبر
Radischen- Pflanze- Gemüse	تربچه خوراكي، سبزي، فجيل، فجل، گياه
Radius- Vektor	رياضي، شعاع حامل، درمحور ، مختصات قطبي بردار
Radius- Wirkungs- radius-	شعاع عمل
Radius-Vektor- Mathematik-	شعاع حامل
Radix- Mathematik	رياضي، ريشه، جذر
Radix- Wurzel- Pflanze	ريشه غده اي، خوراكي، ترب سفيد
Raffination-	تصفيه كردن مواد اوليه، نفت، شكر خام
Raffinerie-Erdöl	تصفيه خانه، پالایشگاه نفت
Raffinieren- Raffinerie- Öl- (palajeschgah)	پالایش كردن، پالایشگاه، نفت
Raft- Holz	چوب هاي شناور بر روي آب رودخانه جهت انتقال
Rahm- Milchfett	چربي شير، شير گاو
Rahm- Milchfett	خامه، سرشير، قيمار، قيقاق، قشطه
Rahm-fett- Rahm- sahne	كرم، چربي سرشير، چربي شير
Raife- Cerci- Insekt	حشره، دم بندبند حشرات
Rakete mit Mehrfachsprengköpfe n	موشك دفاعي، با چند كلاهك
Raketen – Unterseeboot	موشكي، زيردريائي موشك دار
Raketen abschiessen Raketenreichweite	موشك زدن، مسافت برد موشكي
Raketen- Abwehr- rakete- Raketen- abwehrsystem	موشك دفاعي، سيستم ضد موشكي
Raketenkreuzer- Kriegsschiff-	ناو دريائي موشكدار، كشتي رزم

Raketenschlag - Raketenangriff	موشک، حمله موشکی، ضربه ای		دانه روغنی، نوع سوسک ذره بینی
Rakette- Träger-rakete- mit atomare Sprengstoff-	موشک حاوی کلاهک اتمی، مواد منفجره	Rapsöl- als Brennstoff- Biosprit-	منداب، روغن گیاهی خوراکی جهت سوخت موتور
Ralle- Sumpf-Vogel	آب چلیک، پرنده	Rar- Kostbar-	کمیاب، پرارزش
Ramark- Rohboden	خاک، نوع خاک اولیه	Rare earth elements - Spurenelemente- Nährstoffe	عناصر نادر خاکی، عناصر کمیاب خاک،
Rambla- Auen-roh-boden	خاک رسوبی ساحلی نامرغوب	Rarität- Seltenheit	کمیابی، ندرت یک جسم
Rambla- Flußau-Protopedon	خاک، رسوبی ساحلی	Rascher Verdunstung	تبخیر آب سریع
Rand-	حاشیه، کناره	Rasen- Pflanze-Rasensode	چمن، علف گیاه چمن
Rand Staaten	ممالک کنار دریا	Rasen- Gras- Pflanze	علف چمن
Randmeer- Randsee	دریا، بخشی از دریا که توسط خشکی از دریا جدا شده است.	Rasenabschälung-Boden	حرکت سطحی خاک بر روی زمین باعث خرابی سطح پوشش گیاهی میشود
Randsenke	گودال کناره	Raseneisenerz- Stein-Eisenbakterien	سنگ رسوبی آهن، توسط باکتریهای آهن، سنگ زیربنای ساختمانی
Rangier-bahnhof	تعویض خط راه آهن، محل عوض کردن خط حرکت قطار	Raseneisenstein-Bodentyp	خاک ازترشحات رسوبات آهن سفت شده
Ranken- Klettern-Zyklonastie- Pflanze	بالا کشیدن گیاه توسط پیچیدن به دور یک جسم ستونی	Rasenfläche	زمین پوشیده با چمن
Ranken-pflanzen-Klettern	پیچک، بالارونده، خود را بالا کشیدن	Rasengitterstein-Bodentyp	سنگ فرش حفره دار جهت نفوذ آب باران
Ranker- Rohboden-A- C Profil	خاک، خاک اولیه	Rasensode	چمن گیاه
Ranunculus arresis-Ranunculus bulb. Blumen- Pflanze	آلاله، گل الاله، گیاه علفی یک ساله	Rasse- Ursprung	جنسیت، نژاد،
Rapakiwi- Fauler Granit-Stein-	سنگ گرانیته که سریع تخریب میشود	Rasse- Vieh-sucht	نژاد، پرورش، دام، جنس
Rapid neutron capture-	نوترون گیری سریع عمل	Raster- Rasterpunkt	نقاط اتصال بر روی شبکه
Rapid proton capture	پروتون گیری سریع عمل	Rastergestützte-Methode	روش محاسباتی آماری، ارقام، شبکه ای
Rapid- Strudel-Wasserbewegung	تندآب، جریان سریع آب در رودخانه	Rasterpunkte - einzeln- oder Rasterpunkt-reihe)	نقاط محاسبات در امتداد یک مسیر مستقیم
Rapide Anstieg	سریع، با سرعت زیاد، افزایش	Rat- Beratung-(schorra)	شوری- شورایی
Raps- Ölsamen-Pflanze	دانه روغنی، منداب،	Rat- Empfehlung	پند و نصیحت
Raps- Senf- Eruca-sativa- wilde Senf-Rauke- Pflanze	منداب، دانه روغنی، از تیره شب بو، گیاه	Raten- von Rätzel-	حل معما را حدس زدن، توصیه کردن
Rapsglanz-käfer-	سوسک منداب، حشره، آفت گیاهی	Raten-zahlung-	پرداخت وام بصورت قسطی ماهانه

Ratgeber-	مستشار
Ratio (2:1=2)- Quotienten -	رياضي، نسبت دو عدد بهم
Ration- Anteil	ذخيره غذايي، سهم، تقسيم کردن درواحد زمان، علوفه اي در دامداري
Rational- Ration	استدلالي، منطقي، عقل، منطق
Rationale Wurzel	رياضي، جذر منطق
Rationale Zahl	رياضي، عدد گويا
Rationalisieren- Rationalisierung	كفايت افزودن، تخصصي کردن كار
Rationalisierung	تقسيم كار جهت افزايش توليد در كارخانه توليدي
Rationell- Zweckmäßig	عملکرد منطقي
Ratte- Großmaus- Rattengift	خرموش، جانور-سم الفار
Ratzen- kratzen	خراشیدن
Raub- Aneigung	غصب-
Raub- Tiere-	شكاري، حيوانات
Raub- Vogel	شكاري، پرنده، درنده و گوشتخوار
Raubmilbe- Spinne	عنكبوت ريز گوشتخوار
Raubtiere- Carnivora	حيوانات درنده گوشت خوار
Raubvögel-	پرنندگان درنده و گوشت خوار
Rauch-	دود
Rauheit-	زبري
Rauhreif- Rauhrost- Rauheis	بارندگي، يخ زدن بخار آب در نزديكي سطح زمين بصورت نخهاي باريك
Rauhreif- Rauhrost- Rauheis	يخ زدن بخار آب
Rauhreif- (ariz)	اريز، برفك
Rauke- Erica Sativa	جرجيز، درخت
Rauke- Pflanze- Ölrauke-	منداب، سبزي خوراكي، دانه روغني
Rauke- wilde Rauke - Raps- Pflanze	منداب، گياه دانه روغني
Raum und Zeit	زمان و مكان

Raum- Zimmer	فضا، اتاق، مكان
Raumaspekt	از نظر مكان- فضا
Raumkurve-	منحني فضا، مكان
Raumlehre	فضا شناسي علم
Räumlich- und zeitliche- Variabilität	زمان و مكان، تغييرات يك فاكتور در واحد زمان و مكان
Räumliche Variabilität	مكان، تنوع
Raumordnung- Raumplanung	نقشه محيط
Raumschiff-	فضا پيما، سفينه فضايي
Raumschiff- (safineh)	سفينه فضايي، فضاپيما، كشتي فضايي، ماشين
Raupe- Blumenkohl - Schmetterling	كرم پروانه گل كلم
Raupe- Kiefern- Schmetterling	كرم پروانه كاج
Raupe- Puppe- Kokon-	پيله كرم حشره،
Raupe- von Schmetterling-	كرم پروانه حشره، قبل از شفيره بستن
Raupen- Kokon- Seiden- Raupe	كرم ابريشم- كرم پيله
Rauschmittel-narko- tisch- (mokhadder)	مواد مخدر
Raute- Besenkraut- Samen- Pflanze-	خاكشير، دانه- حبي- گياه
Raute- Bösen Blick vertreiber- Pflanze-	اسفند، اسپند - گياه
Raute- Feldraute- Erdkraut-	حرملم، اسپند - گياه
Raute- Form Rautenförmig- Mathematik	لوز- لوزي شكل هندسي، متوازي الاضلاع
Raute- wilde Raute	اسپند- سپند- گياه
Raute- wilde Raute- Pflanze-	سپند، اسپند- گياه
Rautenpflanze- Orange	گياه، رده مركبات، پرتقال، نارنج، ليموترش
Raxlandschaft- Ostalpen	زمين، دوران، دشت مسطح، در شرق كوه هاي آلپ
Reagenzglas- loleh	لوله آزمايش، محل تغيير حالت مايعات

azmajesch	
Reaktion zeigen- (wakonesch neschan dadan)	واکنش نشان دادن، فیزیکی، ارتجاع
Reaktion zeigen- Chemie- (aks ol ammal-)	عکس العمل نشان دادن- ارتجاع- شیمی
Reaktion- Zeit- Chemie-(wakonesh)	واکنش، تابع زمان، شیمیایی
Reaktion-Allergische	واکنش آلرژی بدن
Reaktive Biologisch Potential	پتانسیل، توان بیولوژیکی را دوباره فعال کردن
Reaktivität-	درجه به حرکت درآوردن مجدد، فعالیت مجدد
Reaktor- Atombrenner	دستگاه راکتور، محل تحریق اتم
Real- wirklich	واقعی- قابل لمس، حقیقی
Realgar- Stoff-	زرنیخ احمر
Realgymnasium Realschule	دبیرستان تا کلاس دهم
Realien- Natur- wissenschaften	واقعیات-علوم طبیعی
Realität und Fiktion	واقعیت و تصورات
Realität- Wirklichkeit	واقعیت، حقیقت
Realschulabschluß-	مدرک پایانی دوره اول دبیرستان
Realschule- Real- gymnasium-	دبیرستان، تا کلاس دهم
Realwert-	قیمت حقیقی کالا
Rebe- Weintraube	تاک، انگور، درخت
Rebe- Weintraube Pflanze	انگور، درخت چند ساله، تاک
Rebhuhn- Vogel	دراج، تیهو پرنده
Rebhuhn- Vogel-	سرخ بال، تیهو پرنده
Reb-huhn- Vogel	تیهو، دراج- کبک
Reb-huhn- Vogel- (kabk)	کبک، تیهو، پرنده
Rebhuhn-Vogel-	باقرقره- پرنده
Reblaus- Insekt	حشره، شته انگور
Rechen- Rechengut	برداشت برگ و خاشاک توسط دستگاه
Rechen- Sandrecher - Gerät	شن کش با رشته های آهنی نازک

	انعطاف دار
Rechenaufgabe	ریاضی، مسئله حساب
Rechenbrett- zählen	چتکه - چلتکه
Rechen-maschine- Mathematik	ماشین حساب
Rechenschaft ablegen- politisch-	محاسبه - حساب پس دادن - سیاسی
Rechenschafts-bericht	گزارش سالانه ادارات
Rechenverfahren	روش محاسباتی در ریاضیات
Rechenvorschrift-	قوانین و قاعده های محاسبه
Rechnen- gerechnet	حساب کردن، حساب شده، محسوب
Rechnen- Numerisch- Mathematik	حساب رقمی، حساب
Rechnen- Rechnung Wahrscheinlichkeit- Mathematik	محاسبه کردن، محاسبات، محاسبه ی احتمالات
Rechner- Personal-PC	رایانه - کامپیوتر، دستگاه محاسبه
Rechnungsprüfer- Revisor- kontrollleur	ممیز- ممیزین
Rechnung tragen	همکاری کردن، پذیرش مسئولیت
Rechnungshof	اداره رسیدگی به بودجه کشوری
Rechnungswesen	اقتصاد کشوری
Recht- recht und Link	طرف راست، طرف چپ
Rechteck- Rechtwinkel- Rechteckig-	ریاضی، زاویه قائمه، گوشه راست شکل مربع، مربع مستطیل،
Rechter winkel- Mathematik	زاویه قائمه
Rechtfertigen	حقانیت را ثابت کردن، جوابگو بودن
Rechthaber- Eule- Vogel	مرغ حق، جغد، شباویز،
Rechts- Rechtsordnung	حقوق، طبق حقوق کشوری
Rechtspflege- Justiz	کنترل رسیدگی به وضعیت قوانین
Rechtspflege- Justiz	علم کنترل رسیدگی به وضعیت قوانین